

نقل از ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)

ماهیت جنگ زرگری "دادگاه کیفری جهانی"

دولت بلژیک که زیاده روی کرده بود و باید بر اساس قوانینش جنایتکاران علیه بشریت را در هر کجای کره زمین تعقیب می کرد همینکه پای پینوشه و آریل شارون و رفسنجانی و نظایر آنها به میان آمد قانون خود را به نفع جنایتکاران تغییر داد و اضافه نمود که فقط آتهائی را که پا به سر زمین بلژیک گذاشته اند قابل تعقیب می داند. از این بیعد حمایت از حقوق لایتناهی و قابل احترام بشر مرز جغرافیائی پیدا کرد.

طبیعتاً جنایتکارانی که نه مصونیت سیاسی داشته و نه در داخل بلژیک بسر می برند برای ورود باین کشور نیاز به رواید دارند که آنهم بر اساس همین قانون نمی تواند برای جنایتکاران صادر شود و لذا آنها برای ابد از مجازات مصون می مانند ولی بندهای قانونی آن در قوانین بلژیک برای روز مبادا و فخر فروشی "انسانی" به جهان ضبط است. آنهم بلژیکی که دستهای آفریقائی ها را در کنگو قطع می کرد و چشمهایشان را از حدقه در می آورد و پاتریس لومومبای قهرمان را وحشیانه به قتل رسانده و جسدش را در اسید حل کرد.

البته آنجا که می خواستند کار میلو سوویچ را که مردانه در دادگاه سیاسی لاهه از استقلال کشورش دفاع می کند بسازند، بوقلمون صفت روش دیگری در پیش گرفتند.

حال اتحادیه اروپا می خواهد یک دادگاه کیفری جهانی تشکیل دهد که از همین امروز روشن است که این دادگاه بر خلاف نامش نه یک موسسه قضائی بلکه یک موسسه سیاسی برای از پیش بردن مقاصد شوم سیاسی امپریالیستهای اروپائی است. لطفاً اشتباه نکنید! وقتی آنها از یک دادگاه کیفری جهانی سخن می گویند هدفشان مجازات نوکران خویش که جنایت کارند نیست. شما هرگز نه خاندان پهلوی، نه نیکسون و نه کیزینگر و نه پینوشه، نه سوهارتو و نه ... حتی اگر زنده نیز می بودند در مقابل این دادگاه نمی دیدید.

هدف آنها ایجاد ابزاری برای توجیه تجاوز و سرکوب رهبرانی در جهان است که با آنها کنار نمی آیند. صدام حسین از موقعی جنایتکار جهانی شده و باید به مجازات اعمالش برسد که بر سر اسرائیل موشک انداخت و گرنه تا لحظه ای که بر سر مردم ایران موشک و گازهای خردل و سایر مواد شیمیائی خطرناک می ریخت قهرمان بود که مورد حمایت همین اعضاء محترم اتحادیه اروپا قرار داشت. این است که حق و داوری و قضاوت یک امر طبقاتی است و از زاویه منافع سیاسی - اقتصادی تعبیر و تعریف می شود.

برای حزب کار ایران (توفان) ماهیت این خیمه شب بازی دموکراسی همیشه روشن بود و ما بارها برای تنویر افکار عمومی و بر ملا کردن ماهیت طبقاتی این تصمیمات، مقالات متعددی نوشتیم و باز نیز خواهیم نوشت. لیکن بسیاری هنوز مسحور افسون تبلیغات امپریالیستی هستند و نمی توانند استراتژی آنها را برای بزیر سلطه کشیدن ملل و سوء استفاده از مفاهیم و عباراتی نظیر "حقوق بشر"، "حق تعیین سرنوشت ملل" و امروزه نیز "دادگاه کیفری جهانی" برای رسیدگی و پیگرد به جنایات جنایتکاران تاریخ پی ببرند. متأسفانه برخی تشکلهای اپوزیسیون ایرانی که خود را حتی انقلابی می دانند معمولاً تفسیری بر این خبرها نمی نویسند و فقط به یک برخورد ژورنالیستی بسنده می کنند. حال آنکه سخن از این حد پیشتر رفته است. سخن بر سر طبقات و ماهیت طبقاتی این اقدامات و ماهیت رژیم سرمایه داری امپریالیستی و ماهیت دموکراسی آن و وابستگی قوه قضائیه به سیاست و به قوه مجریه است. کمونیستها باید این حقایق را به مردم نشان دهند و تبلیغات امپریالیستی را در این زمینه خشی کنند. حال زمینه دیگری برای این افشاء گری دست داده است، باید فعال بود، باید نشان داد که این فعالیت در دنیای سرمایه داری اتفاقی نیست، قاعده جامعه سرمایه داری است. باید کارل پوپر اتریشی را از قبرش بدر آورد تا چشمان نابینایش دشمنان واقعی "جامعه باز" را ببیند.

نزاعی بین اروپا و آمریکا بر سر تمدید مدت اقامت سربازان "صلح" سازمان ملل که از جمله شامل آمریکائی ها می شود در بوسنی هرزه گوین در گرفته است.

آمریکائی ها به گروگرو کشی توسل جسته اند.

آمریکائی‌ها تمدید مدت اقامت نیروهای مسلح خود را منوط به این می‌کنند که برای سربازان آمریکائی چک سفید صادر شود تا به هر جنایتی که خواستند بدون وا همه دست بزنند، همان کاری را که در یوگسلاوی، عراق و افغانستان می‌کنند و کردند. هیچ مرجع بین‌المللی نباید حق داشته باشد یک شهروند آمریکائی را محاکمه و محکوم کند. آنها خواهان مصونیت نیروهای مسلح آمریکائی از تعقیب قضائی بوده و می‌خواهند آنها را قلدری و شانتاژ شورای امنیت سازمان ملل به دست بیاورند. اروپائیان و بسیاری ممالک جهان از این بیشرمی آمریکا که اصل انجام جنایت را برای سربازان و ارتش آمریکا برسمیت شناخته و برای موازین بین‌المللی تره هم خورد نمی‌کند به خشم آمده‌اند. نمایندگان بیش از چهل کشور جهان به این امر اعتراض کرده‌اند. این خشم سایر امپریالیستها و بویژه نوع اروپائی آنها نه از این جهت است که آنها دلشان برای بشریت می‌سوزد، هرگز! آنها خود با جنایات آمریکائی‌ها در سوماتالی، در عراق، در یوگسلاوی، در افغانستان و... موافقت و صدایشان نیز در نمی‌آید. ناراحتی آنها بیشتر از آن جهت است که امپریالیست آمریکا دست آنها را خوانده و حاضر نیست دم لای تله اروپائی‌ها بدهد که هر موقع تضاد میان منافع سیاسی و اقتصادی آنها تشدید شد اروپائی‌ها ابزار فشار حقوقی لازم را برای بسیج افکار عمومی فریب خورده خود از صندوقخانه سیاسی بیرون بکشند. آمریکا که با استدلال‌اتش به انتها رسیده است ناچار است با دست رو بازی کند و صریحاً اعتراف کند که برای جنایات سربازان آمریکائی تقاضای مصونیت و قرار منع تعقیب می‌کند. اگر آمریکا این کار را نکند آن سیل شکایاتی است که علیه وی به دادگاه کیفری جهانی سرازیر می‌شود و "آبروی" آمریکا را بر باد می‌دهد به مراتب از این بی‌آبرویی سنگین تر است. ما فقط هر روز شاهد یک قلم از این جنایات در افغانستان هستیم.

قرارداد برپائی چنین دادگاهی یعنی دادگاه کیفری جهانی در رم پایتخت ایتالیا بسته شد که تاکنون ۷۶ کشور جهان آنها امضاء کرده‌اند. در این قرارداد آمده است که جنایت شدید جنگی که در سرزمین یکی از طرفین امضاء کننده این پیمان اتفاق بیافتد مورد تعقیب دادگاه کیفری جهانی قرار می‌گیرد. بر اساس اساسنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد این شورا می‌تواند قرار تعقیب را در "موارد جداگانه" برای مدت یکسال به تعویق بیاورد.

آمریکا که در اثر فشار بین‌المللی و بی‌آبرویش برای حمایت آشکار از اعمال جنایتکارانه از "سرسختی" دست برداشته بود با یک فرمول موزبانه طرحی را تهیه کرد که مبتنی بر ماده‌ای از اساسنامه این دادگاه جهانی است که به شورای امنیت حق می‌دهد در موارد جداگانه اقدامات تحقیقی دادگاه جهانی را برای مدت یک سال به تأخیر بیاورد، و تا روزی که این نیاز احساس می‌شود این تعویق را سالانه تمدید کند؟؟؟.

بنا بر اظهار یک دیپلمات آمریکائی بدینوسیله دولت آمریکا زمان کسب می‌کند تا نیروهای خود را از دسترس قانون دادگاه کیفری جهانی دور کند. توجه می‌کنید سخن بر سر فرار دادن جنایتکار در روز روشن است و نه رسیدگی و دستگیری مجرم. بر اساس طرح قطعنامه آمریکا همه سربازان امپریالیستها از مجازات برای اعمال جنایتکارانه خود معاف می‌شوند زیرا در هر مورد جداگانه شورای امنیت می‌تواند توسط یکی از دارندگان حق و تو نظیر انگلیس، آمریکا و فرانسه و شاید هم چین و روسیه از طرح این "موارد جداگانه" در شورای امنیت ممانعت بعمل آورد. در این میان البته سر برخی کشورهای اروپائی که عضو اتحادیه اروپا بوده ولی فاقد حق و تو هستند مانند آلمان و ایتالیا و اسپانیا و... کلاه می‌رود و باید به مرام دول فرانسه و یا انگلیس دلخوش باشد. تکلیف ممالک زیر سلطه از هم اکنون روشن است. آن رهبرانی که مخالف امپریالیستها می‌باشند جنایتکار محسوب می‌شوند و کشتار مردم این سرزمینها بدست ابادی آمریکا و اروپا جرم و جنایت نیست. امپریالیسم آمریکا در پی کسب زمان است تا جنایتکار را فراری دهد و نه آنکه وی را دستگیر کرده و در مقابل دادگاه قرار دهد تا پس از محاکمه به کیفر اعمالش برسد.

چین و روسیه که نیز می‌دانند تشکیل یک دادگاه کیفری جهانی با انگیزه‌های سیاسی هدفش حمایت از بشریت و حقوق وی نیست و در واقع توجیه جنایات امپریالیستهاست، بیشتر به سمت نظریه آمریکا تمایل دارند زیرا این حربه روزی می‌تواند علیه خود آنها نیز بکار گرفته شود. همین امروز معلوم است که علیه کشتار "میدان آسمانی" در چین صدها بار بیشتر از

جنايات اسرائيل كه صدها ميدان را از خون فلسطينيها مالا مال کرده است تبليغ شده و سخن می‌رود. آمريکا در عين حال با نزديکی به سوريه که وی را قبلاً در ردیف ممالک "شور" قرار داده بود موفق شده رای این کشور را به کف آورده زیرا اگر چنین تسليمی صورت نمی‌پذیرفت سوريه نخستين کشوری به حساب می‌آمد که باید به حسابش رسيد. امپرياليسٲ آمريکا دول موريتاني، مکزيک، کامرون و کلمبيا را بشدت مورد فشار قرار داده که به طرح آنها رای دهند. آمريکا به دولت کلمبيا گفته است که اگر از این کار سرباز زند سربازان خود را از کلمبيا بيرون کشيده و کمکهای مالی خود را به کلمبيا قطع می‌کند.

اروپائی‌ها می‌گویند وقتی از "نظم جهانی" سخن می‌رانيم باید این "نظم" را در همه زمينه‌ها محترم بشماريم و این شامل موازينی نیز می‌شود که ما همه بر سر آن توافق داریم!؟. نمی‌شود آمريکا هر جا که بنفعش نیست بر این "نظم" گردن نهد. اروپا می‌خواهد امپرياليسٲ سرکش آمريکا را مهار زند زیرا تضادهای امپرياليسٲی موجودیت اروپائی‌ها را نیز به مخاطره انداخته است و آمريکا دم لای تله نمی‌دهد. وی می‌خواهد همه موانعی را که بر سر راه تجاوزش قرار دارد از بين ببرد و این مفهوم را "نظم جهانی" به رهبری ابر قدرت آمريکا می‌داند. وی می‌خواهد آن "نظمی" را که اروپائی‌ها خواهان استقرار آنند بر هم زند. و اروپائیان بدرستی می‌گویند که حمله آمريکا به دادگاه کيفری جهانی حمله به نظم جهانی است. تائیدی بر آشوب و فتنه است. آمريکا خواهان بی‌نظمی یعنی نظمی است که نظامهای قبلی را بر هم زده و سيادت امپرياليسٲ آمريکا را بر دنيا مستقر سازد. بی‌نظمی برای اروپا نظم نوين امپرياليسٲ آمريکا است.

این تجربه چه چیز بما می‌آموزد:

- ۱- دادگاه کيفری جهانی وسیله سلطه امپرياليسٲی و یک ابزار روشن سیاسی برای فريب افکار عمومی است. این وسیله هم از جانب امپرياليسٲ آمريکا و هم اروپا مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.
- ۲- کمونيستها باید در زیر این جنگ زرگری که میان امپرياليسٲها بر سر "رعایت حقوق بشر" و "احترام به موازين جهانی" در گرفته است دم خروس را ببینند و به قسم حضرت عباس آنها دلخوش نکنند.
- ۳- امپرياليسٲها برای بشریت و انسانها ارزشی قابل نیستند و از کشتار گسترده آنها آنجا که پای منافع آنها در میان باشد ابائی ندارند.
- ۴- حمايت از حقوق بشر، دموکراسی، عدالت در قاموس امپرياليسٲهای حرفهای پوچ و بی‌معناست.
- ۵- امپرياليسٲها برای تجاوز و سلطه‌گری خود در جهان بدنبال توجیهاتی می‌گردند تا مردم جهان را که از آنها واهمه دارند بفریبند. ابزارهایی نظیر "دادگاه کيفری جهانی" از این زمره‌اند.
- ۶- امپرياليسٲها در تضاد دائم با یکدیگر قرار دارند و برای یکدیگر برای نزاعهایی که در پیش است از هم اکنون تله می‌گذارند. تضاد امپرياليسٲها اروپا و آمريکا بر سر دادگاه کيفری جهانی نزاعی حقوقی در شکل و ماهیت سلطه‌گرانه در بطن است.
- ۷- نظم آمريکائی نظم گستاخانه یک ابر قدرت کله شق و قلچماق است و این با نظم اروپائی که بیکباره هوادار موازين بین‌المللی شده و خواهان مهار امپرياليسٲ آمريکا است در شکل تفاوت دارد و نه در ماهیت.
- ۸- کمونيستها نباید فريب تبليغات امپرياليسٲها را بخورند، باید ماهیت اظهارات آنها را تشریح کنند و به مردم جهان نشان دهند. باید نشان داد که آنهايي که از آمريکا بعنوان "فرشته نجات" در عراق، افغانستان، یوگسلاوی سخن می‌گفتند و نوکر صفتانه تبليغ می‌کردند که گویا آنها "تمدن" و "جامعه‌باز" و "دموکراسی" را به سراسر جهان صادر می‌کنند عوامل بی‌جیره و موجب امپرياليسٲ آمريکا هستند. افشاء آنها از وظایف مهم کمونيستهاست.

حزب کار ایران (توفان)

نشانی در اینترنت WWW.toufan.org نشانی پست الکترونیکی toufan@toufan.org

شماره دورنگار در آلمان ۰۶۹/۹۶۵۸۰۳۴۶